

موضوع :

**طراحی و ساخت برد کنترل
جهت اضافه بار و اندازه گیری وزن**

پیشگفتار

یکی از مهمترین قطعات مورد تاکید در استانداردهای جهانی سیستم‌های آسانسوری، برد کنترل اضافه بار می‌باشد. وظیفه این برد اندازه‌گیری بار ورودی به کابین، مقایسه آن با ظرفیت مجاز و ارسال پیامهای مناسب به برد کنترل مرکزی آسانسور می‌باشد. مزیت استفاده از این سیستم در درجه اول تأمین امنیت جانی و جلوگیری از سقوط کابین و در درجه دوم کاهش هزینه‌های نگهداری و تعمیرات موتور در اثر استفاده نادرست از آسانسورها می‌باشد.

متأسفانه به دلیل هزینه سنگین بردهای وارداتی و عدم تمایل سازندگان داخلی به تولید مشابه داخلی به دلیل ماهیت چند تخصصی (Multi- Disciplinary) تولید که مستلزم به کارگیری چند تخصص برای تولید مجموعه برد دیجیتال و ساخت قطعه مکانیکی مورد استفاده در ساختمان آسانسور و نیز سنسورهای مورد نیاز، استفاده از بردهای کنترل اضافه بار در استانداردهای ایران، اجباری شده است. هدف از پروژه حاضر، طراحی و ساخت برد کنترل اضافه بار می‌باشد.

وردی این برد، سیگنال الکتریکی حاصل از تنش سنسور strain guage متصل به قطعه مکانیکی مخصوصی می‌باشد که نمونه آن در شکل زیر نشان داده شده است.

سیگنال ورودی که حاصل از تنش سنسور می باشد پس از تقویت و نمونه برداری وارد کنترل کننده می گردد. در کنترل کننده عمل تصمیم گیری نسبت به ارسال پیامهای foll load و over load متناسب با ظرفیت کابین و همچنین فعال شدن آلامر، انجام می شود. برای تنظیم حداکثر مقادیر مجاز از پانل تنظیم دستی استفاده می شود. که شامل نمایشگر مناسب برای نمایش اعداد و پیغامهای لازم برای کاربرد و صفحه کلید برای ورود اطلاعات مربوط به تعداد نفرات مجاز و غیره می باشد.

برای طراحی این برد دیجیتالی ابتدا باید یک میکرو کنترلر مناسب در نظر گرفته شود و سپس سیستم طراحی شده توسط سخت افزار تحقق پیدا کند، برای این منظور یک بلوک دیاگرام کلی مطابق شکل زیر فرض می شود.

در بلوک دیاگرام فوق سنسور وظیفه تولید سیگنال آنالوگ ایجاد شده از تغییرات وزن کابین آسانسور را به عهده دارد تقویت کننده ای که بعد از سنسور قرار دارد. سیگنال ایجاد شده را تقویت می کنند و آن را برای عملیات کنترلی آماده می سازد و بعد از آن نیز میکرو کنترلر قرار داده شده که عمل کنترل کننده را انجام می دهد.

بلوکهای ذکر شده در بالا همگی توسط سخت افزار بر روی کارت تحقق پیدا می کند بطوریکه سنسور وزن را که یک سیگنال آنالوگ است تشخیص می دهد و آن را به A/D منتقل می کند. سیگنال آنالوگ به سیگنال دیجیتال تبدیل می شود و سپس بوسیله

میکروکنترلر، کنترل دیجیتال روی آن صورت می گیرد. سیگنالهای خروجی دیجیتال

می باشند و برای تولید پیامهای full و over load و آمار به کار می روند.

در فصلهای بعدی به بررسی کاملتر مباحث ذکر شده، جزئیات کار و طراحی کنترلر

پرداخته می شود که مباحث ارائه شده به صورت زیر طبقه بندی می شوند:

در فصل اول به معرفی سنسور strain guage و اساس کار آن و معیارهای انتخاب سنسور

و آرایش مداری آن می پردازیم.

در فصل دوم به اتصال فیزیکی سنسور 8-G و طراحی مکانیکی المان اندازه گیری وزن

پرداخته می شود.

فصل سوم به طراحی و ساخت تقویت کننده صنعتی برای S.G پرداخته خواهد شد.

فصل چهارم به طراحی و ساخت برد دیجیتال کنترل بار می پردازیم

در فصل پنجم، ساختار کلی برنامه میکروکنترلر ارائه خواهد شد.

در فصل ششم نیز تحقق عملی پروژه، نتایج و پیشنهادات ارائه خواهد شد.

فصل ۱:

معرفی سنسور strain Gauge

۱-۱: مقدمه:

یکی از روشهای متداول در اندازه گیری وزن استفاده از سنسورهای S-G می باشد. اساس کار این سنسورها همانطور که توضیح داده خواهد شد بر تغییر طول یک المان الکتریکی و در نتیجه تغییر مقاومت الکتریکی آن استوار است. در این فصل به معرفی اساس کار، آرایشهای مداری سنسور و نیز معیارهای انتخاب سنسور مناسب خواهیم پرداخت.

۱-۲: اساس کار سنسور S-G:

مقاومت الکتریکی هر المان فیزیکی متناسب با طول آن المان می باشد. یعنی $R \times L$ یا به طور دقیق تر $R = \rho \frac{L}{A}$ که در آن L طول المان و A سطح قطع آن می باشد. و اگر طول یک المان فیزیکی به هر دلیلی تغییر کند مقاومت الکتریکی آن دچار تغییر خواهد شد. این مطلب اساس کار سنسورهای S-G می باشد.

این سنسورها معمولاً به صورت چاپ شده می باشند. که نمونه ای از آنها در شکل زیر نمایش داده شده است.

همانطور که ملاحظه می شود و چاپ سنسور به صورت مارپیچ انجام شده در نتیجه امکان تغییر طول کلی سنسور بسیار افزایش یافته است به این معنی که با تغییر طول ΔL در هر یک از قطعه های افقی و با فرض اینکه تعداد این قطعه ها n می باشد. تغییر طول کلی برابر $n\Delta L$ خواهد بود.

$$\Delta L_T n \cdot \Delta L$$

برای تبدیل تغییرات وزن به تغییر طول در سنسور لازم است از یک المان مکانیکی استفاده شود. که نمونه ای از آن در شکل زیر نشان داده شده است.

نقش المان مکانیکی تبدیل نیروی F_1 که ناشی از وزن است به نیروی F_2 می باشد تغییر نیروی F_2 باعث تغییر انحنای المان می گردد.

بعد از اعمال نیروی F_2 قبل از اعمال نیروی F_2

اگر سنسور S-G به المان مکانیکی به طور کامل چسبانده شده باشد. تغییر انحنای فوق باعث تغییر طول این سنسور و در نتیجه تغییر مقاومت الکتریکی آن خواهد شد.

به طور خلاصه تغییر وزن باعث تغییر تنش در المان مکانیکی و در نهایت تغییر مقاومت سنسور می شود.

$$\varepsilon = \frac{\Delta L}{e} \text{ به طور علمی تنش به صورت زیر تعریف می شود.}$$

که در آن ΔL تغییر طول ناشی از نیروی ورودی و L طول اولیه المان می باشد.

$$\varepsilon = \frac{\Delta L}{L}$$

G.F به نسبت تغییر مقاومت به مقاومت اولیه تقسیم بر نسبت تغییر طول به طول اولیه G.F یا گین فاکتور می شود.

۳-۱- آرایش مداری سنسور S-G:

$$G.F = \frac{\Delta R / R}{\Delta e / e} \quad \text{یا} \quad G.F = \frac{\Delta RTR}{\varepsilon}$$

سنسورهای S-G معمولاً به صورت پل مقاومتی مورد استفاده قرار می گیرند.

$$V_0 = \left[\frac{R_3}{R_3 + R_4} - \frac{R_2}{R_2 + R_1} \right] \cdot V_{Ex}$$

$$GF = \frac{\Delta R / R}{\varepsilon} \quad \text{فرض} \quad R_3 = R_G + \Delta R \quad \text{و} \quad R_1 = R_2 = R_4$$

$$\Delta R = \varepsilon \cdot GF \cdot R_G$$

$$\frac{V_0}{V_{Ex}} = - \frac{GF \cdot \varepsilon}{4} \left(\frac{1}{1 + gf \cdot \frac{\varepsilon}{g}} \right)$$

علت استفاده از آرایش مداری پل وتسون آن است که :

(1) تغییرات بسیار کوچک ایجاد شده در مقاومت های مدار را تشخیص دهیم.

2) حساسیت دمایی ناشی از گرم شدن مقاومت در اثر عبور جریان را کاهش دهیم برای این منظور لازم است هر چهار مقاومت مورد استفاده در پیل و تستون از یک نوع یعنی چاپ شده باشند. ولی از آنجا که تنها یکی از چهار مقاومت باید نسبت به تغییر طول حساس باشد. لذا یکی از مقاومتها را در جهت تغییرات طول و سه مقاومت دیگر را عمود بر جهت تغییر طول چاپ می کنند.

۱-۴: معیارهای انتخاب سنسورها S-G

یکی از پارامترهای الکتریکی مؤثر در انتخاب سنسور نسبت تغییر ولتاژ خروجی به دامنه

ولتاژ تحریک می باشد. $\frac{V_0}{V_{Ex}}$ که این پارامتر بر حسب $\frac{mv}{V}$ بیان می شود به عنوان مثال

گفته می شود این سنسور دارای تغییرات $\frac{2mv}{V}$ می باشد. یعنی در حالت حداکثر تنش (حداکثر مجاز ۴) و با ولتاژ تغذیه ۱۰ ولت $V_0 = 20mv$ خواهد بود.

هر چند میزان $\frac{V_0}{V_{Ex}}$ بیشتر باشد. دامنه سیگنال خروجی سنسور در تحریک یکسان بیشتر

خواهد بود لذا دقت اندازه گیری افزایش می یابد.

پارامتر الکتریکی دیگری که در انتخاب سنسور باید در نظر گرفته شود سخنی تغییرات G-

F می باشد. از آنجا که تغییر طول المان فیزیکی نسبت به تغییرات نیروی وارده هم جا

خطی نیست لذا منحنی GF نیز خطی نمی باشد و به صورت منحنی هایی مانند شکل زیر

می باشد.

برای اینکه اندازه گیریهای دارای دقت کافی باشند لازم است سنسور در محدوده خطی آن مورد استفاده قرار گیرند. لذا انتخاب سنسوری که محدوده خطی مناسبی در وزنهای مطلوب داشته باشد. در دقت اندازه گیری بسیار تأثیر گذار است.

پارامتر فیزیکی که در انتخاب سنسور باید مورد توجه قرار گیرد. حداکثر تنش قابل اعمال به سنسور می باشد. سنسور S-G یک المان فیزیکی می باشد و مانند هر المان فیزیکی دیگر دارای محدوده مجاز برای تغییر طول می باشد. بطوریکه اگر تغییر طول سنسور بیش از این مقدار مجاز شود. دیگر خاصیت ارتجاعی المان قادر به برگرداندن وضعیت سنسور به طول اولیه آن نخواهد بود و سنسور خاصیت خود را از دست خواهد داد. اگر تغییرات طول باز هم بیشتر باشد می تواند حتی موجب پارگی قطعات چاپی سنسور شود. و لذا برای هر سنسور یک حداکثر تغییر طول مجاز یا حداکثر تنش مجاز قابل اعمال تعریف می شود.

۵-۱- نمونه ای از سنسورهای S-G و المانهای میکانیکی:

۱-۶- روش نصب سنسور روی المان مکانیکی .

فصل ۲ :

طراحی و ساخت برد دیجیتال کنترل بار

۲-۱- مقدمه

در این فصل به توضیح و معرفی بر دو قسمتهای مختلف آن پرداخته می شود.

بلوک دیاگرام کلی سیستم در شکل (۴-۱) نشان داده شده است.

فرمانهای ارسالی به برد کنترل آسانسور

این بلوک دیاگرام شامل پنج بلوک اصلی تشکیل دهنده برد است.

- کلید و کنترلر (Microcontroler)

- مبدل آنالوگ به دیجیتال (A/D)

- تقویت کننده (AMP)

- صفحه کلید (Keyboard)

- نمایشگر (LCD)

علاوه بر این بخشها جهت امکان ارائه آزمایشگاهی پروژه بردهای شبیه سار سنسوری -

stai و برد خروجی فرمانهای ارسالی به تابلوی مرکزی آسانسور نیز طراحی و ساخته شده

است.

۲-۲- میکروکنترلر

در پیاده سازی سیستم از میکروکنترلر 8qc51 استفاده شده است. میکروکنترلر 8qc51

یکی از میکروکنترلرهای همه منظوره می باشد که در بسیاری از سیستمهای الکترونیکی که

نیاز به قابلیت برنامه ریزی دارند استفاده می گردد.

مشخصات میکروکنترلر 8qc51:

- 128 بایت حافظه داخلی RAM
- رابط سریال
- 64 کیلو بایت فضای حافظه خارجی که
- 64 کیلو بایت حافظه خارجی برای داده
- پردازنده بولی (که عملیات روی بیت ها را انجام می دهد)
- 210 مکان بیتی آدرس پذیر.
- انجام عملیات ضرب و تقسیم در 4 میکروثانیه
- چهار در گاه (I/O) هشت بیتی
- دو تایمر (شمارنده ۱۶ بیتی)
- این میکروکنترلر قابلیت کار با ولتاژ $5V \pm 10\%$ و حداکثر جریان دهی در پورت های خروجی آن 15ma می باشد و فرکانس کاری این میکرو از 4 تا 24 مگاهرتز می باشد.

۲-۲-۰۱- بررسی پایه‌های 8051

این میکروکنترلر یک IC با 40 پایه است که 32 پایه از 40 پایه این IC به عنوان درگاه I/O عمل می‌کند، که البته 24 خط از این خطوط دو منظوره هستند. هر یک از این خطوط می‌تواند به عنوان I/O یا خط کنترل و یا بخشی از درگاه آدرس یا گذرگاه داده بکار بروند. یا صفحه کلید قرار گیرند و یا هر خط به تنهایی با قطعات تک بیتی مانند سوئیچ ها و ترانزیستورها ارتباط برقرار کنند.

درگاه صفر ϕ PoRT

این درگاه، یک درگاه دو منظوره از پایه 32 تا 39 تراشه می‌باشد. این درگاه در طراحی‌های با کمترین اجزای ممکن به عنوان یک درگاه I/O عمومی استفاده می‌شود و در طراحی‌های بزرگتر که از حافظه خارجی استفاده می‌کنند، این درگاه یک گذرگاه آدرس و داده مالتی پلکس شده می‌باشد.

درگاه یک (PORTT):

درگاه یک درگاه اختصاصی I/O روی پایه‌های 1 تا 8 است. وظیفه دیگری برای پایه‌های درگاه 1 در نظر گرفته شده است، بنابراین گهگاه برای ارتباط با وسایل خارجی بکار می‌رود.

درگاه دوم (PORT2) :

درگاه دوم (پایه های 21 تا 28) یک درگاه دو منظوره است که به عنوان I/O عمومی و یا بایت بالای گذرگاه آدرس در طراحی با حافظه کد خارجی بکار می رود. این درگاه همچنین در طراحی هایی که بیش از 256 بایت از حافظه داده خارجی نیاز دارند استفاده می شود.

درگاه سوم (PORT3) :

درگاه سوم یک درگاه دو منظوره روی پایه های (10 تا 17) می باشد. علاوه بر I/O عمومی این پایه ها هر یک وظایف دیگری نیز در رابطه با امکانات خاص 8051 دارند. علاوه بر درگاه های بررسی شده تراشه 8051 پایه های برای کاربردهای خاص دارد.
RST (Roset) :

ورودی RST در پایه ۹، آغاز کد اصلی 89051 است. هنگامی که این سیگنال حداقل برای دو سیکل ماشین در وضعیت بالا بماند، ثبات های داخلی 89051 با مقادیری مناسبی برای شروع به کار، بار می شوند. مداری که با روشن کردن سیستم IC را Roset می کند تا میکرو از ابتدای نرم افزار شروع به خواند کند مطابق شکل (3-6) می باشد.

شکل (3-4) اتصال RST به مدار Roset

ALE (Address Latch enable) :

از این پایه (پایه 30) برای جداسازی گذرنامه آدرس و داده استفاده می‌شود. وقتی که 8051 به یک حافظه بیرون وصل می‌شود، پورت صفر هر دو مقدار داده و آدرس را تهیه می‌کند. به بیان دیگر 8051 آدرس و داده را از طریق پورت صفر مالتی پلکس می‌نماید تا در مصرف پایه‌ها صرفه‌جویی شود. پایه ALE برای دی مالتی پلکسی کردن آدرس و داده به کار می‌رود. بنابراین وقتی $ALE = \phi$ است، 8051 پورت صفر را به عنوان سیر داده و وقتی $ALE=1$ است، آن را به عنوان مسیر آدرس به کار می‌برد.

در حالت معمولی $ALE = \phi$ می‌باشد و در این صورت $P\phi$ به عنوان گذرگاه داده عمل کرده و داده را به خارج و یا داخل هدایت خواهد کرد.

EA (External Access):

سیگنال ورودی EA در پایه 31 به سطح منطقی بالا (Vce) و یا پایین (GND) وصل می‌شو.

اگر این پایه در وضعیت بالا قرار گرفته باشد 8051 برنامه را از ROM داخلی غیرفعال می‌شود و برنامه‌ها از EPROM خارجی اجرا می‌شوند.

Vce و GND (اتصال تغذیه):

این تراشه با یک تغذیه +5V کار می‌کند. پایه 40 ولتاژ تغذیه را برای تراشه فراهم می‌کند و پایه ۲۰ زمین است.

۲-۲-۲- نحوه اتصالات میکروکنترلر

در گاه صفر ($P\phi$): از این درگاه برای اتصال یک صفحه کلید به میکرو استفاده شده است.

درگاه یک ($P1$): این پورت در سیستم به خروجیهای ADC متصل است و مقدار دیجیتال سنسور بر روی این پورت ریخته می شود.

درگاه دوم ($P2$): این درگاه برای اتصال میکرو به صفحه نمایش بکار رفت است.

درگاه سوم ($P3$): پایه های ($P3.0$, $P3.1$, $P3.2$) به بلوک ADC متصل هستند که پایه $P3.2$ پایه ϕ INT فعال کننده ADC است و دو پایه دیگر برای RD و WR تراشه ADC است.

پایه های $P3.4$ تا $P3$ به بلوک فرمانهای کنترل آسانسور متصل می شود.

پایه $P3.3$ (SET) نیز به یک LED نشان دهنده خاتمه عملیات Setting متصل می شود.

RST: این پایه به مدار Roset متصل می گردد.

XTAL1 و XTAL2: این پایه ها به یک کریستال 12 کیلو هرتز متصل هستند.

EA: در مدار مورد بررسی این پایه به سطح بالا وصل می شود تا برنامه از ROM داخلی

خوانده شود. V_{ce} و GND: این دو پایه به مدار منبع تغذیه که ولتاژ 5 ولت را تولید می

کند وصل نشده اند.

شکل 4-4 اتصالات میکرو کنترلر

۲-۳- تبدیل کننده آنالوگ به دیجیتال

در این بخش تراشه ADC (مبدل آنالوگ به دیجیتال) بررسی شده است.

ابتدا به توصیف تراشه ADC پرداخته شده و سپس چگونگی اتصال آن به 8051 نشان داده شده است.

مبدل‌های آنالوگ به دیجیتال از وسایل متداول برای اخذ داده می‌باشند. کامپیوترهای

دیجیتال مقادیر دو رویی جدا از هم را بکار می‌برند. ولی در جهان فیزیکی همه چیز

آنالوگ است یک کمیت فیزیکی (وزن، دما، فشار، رطوبت) با وسیله‌ای به نام مبدل قابل

تبدیل به یک سیگنال الکتریکی (جریان یا ولتاژ) است. مبدل‌ها را سنسور یا حسگر می

نامند. گر چه سنسورها برای وزن دما، فشار، سرعت و ... ساخته شده‌اند ولی همه آنها

یک نوع خروجی را که ولتاژ یا جریان است تولید می‌کنند بنابراین یک مبدل آنالوگ به

دیجیتال برای تبدیل سیگنال‌های آنالوگ به اعداد دیجیتال لازم است، بطوریکه PC بتواند

آنها را بخواند. در سخت افزار مورد استفاده از یکی از پرمصرفترین تراشه‌های ADC به

نام تراشه ADC0804 استفاده شده است.

۲-۳-۱- تراشه ADC 804

آی سی ADC804 یک مبدل آنالوگ به دیجیتال و از خانواده ADC800 است. با ts

ولت کار می‌کند و دارای قابلیت دقت یا تجزیه 8 بیتی است. علاوه بر دقت زمان تبدیل

هم فاکتور مهم دیگری در انتخاب ADC است. زمان تبدیل به معنی زمانی است که

ADC لازم دارد تا سیگنال آنالوگ ورودی را به روی پایه‌های dKR یا CLKIN تغییر

است ولی نمی‌تواند سریعتر از ۱۱۰ میکرو ثانیه باشد.

۲-۳-۲- بررسی پایه‌های ADE 804

CS: پایه CS (پایه 1) یک ورودی فعال پایین است که برای فعال کردن تراشه بکار می

رود. برای فعال کردن تراشه این پیه صفر می‌شود.

RD (Road):

این سیگنال ورودی فعال پایین روی پایه ۲ است. ADC سیگنال آنالوگ ورودی را به

معادل دودویی تبدیل کرده و آن را در یک ثبات داخلی نگه می‌دارد. RD برای خارج

کردن داده از تراشه 804 استفاده می‌شود. وقتی $CS=0$ است اگر یک پالس بالا-پائین به

پایه RD اعمال شود، بیت خروجی دیجیتال در پایه‌های $D\phi - D7$ نشان داده خواهند

شد. پایه RD فعال ساز خروجی هم خوانده می‌شود.

WR (wright):

یک سیگنال ورودی فعال پایین روی پایه ۳ است. که آغاز روند تبدیل را به ADC804

اطلاع می‌دهد. اگر $CS = \phi$ باشد به هنگام انتقال بالا به پائین WR، تراشه ADC804

شروع به تبدیل ورودی آنالوگ vin به عدد دیجیتال 8 بیتی می‌نماید. مقدار زمان لازم

برای تبدیل به مقادیر $clkR$ و $clkIn$ بستگی دارد. پس از اتمام تبدیل داده پایه INTR

بوسیله ADC 804 به پایین واداشته می‌شود.

:CLKR- CLKIN

CLKIN پایه 4 تراشه یک پایه ورودی متصل به یک منبع ساعت خارجی است که هنگام استفاده از ساعت خارجی برای زمان بندی استفاده می شود. تراشه 04 دارای یک مولد ساعت داخلی نیز است که برای استفاده از آن پایه های CLKR- CLKIN به یک مقاومت و یک خازن وصل می شوند.

در این مدار از ساعت خارجی استفاده می شود و پایه 4 را به پایه ALE میکرو متصل می کنیم.

INTER (وقفه):

INTER پایه پنجم ADC که یک پایه خروجی فعال پایین است. این پایه معمولاً بالاست و وقتی تبدیل پایان یابد، به سطح پایین رفته و به CPU آمادگی برای برداشتن داده را اطلاع می دهد. پس از پائین رفتن INIR، یک CS=0 ایجاد و یک پالس بالا به پائین به پایه RD فرستاده می شود تا داده به خارج از تراشه ADC 804 برود.

$V_{in} (+)$, $V_{in} (-)$: $V_{in} (+)$, $V_{in} (-)$ ورودی های آنالوگ تفاضلی هستند که در آن جهت تبدیل به دیجیتال وصل است.
 $V_{in} = V_{in} (+) - V_{in} (-)$ می باشد. اغلب به زمین و $V_{in} (+)$ به ورودی آنالوگ

$D\phi - D7$: $D\phi - D7$ که پایه های 11 تا 18 را شامل می شوند (D7 همان MSB و D ϕ همان LSB است) پایه های خروجی داده دیجیتال است. این خروجی های سه حالتی

بافر شده و داده تبدیل شده فقط زمانی که $CS=0$ باشد و RD به پایین وا داشته شود قابل دسترسی است.

برای محاسبه ولتاژ خروجی، فرمول زیر بکار می رود:

$$D_{out} = \frac{V_{in}}{S_{repsize}}$$

که D_{out} برابر است با خروجی داده دیجیتال، V_{in} ولتاژ ورودی آنالوگ و اندازه پله یا

دقت هم در ازای کوچکترین تغییر می باشد که برای ADC هشت بیت برابر $\frac{2v_{nef}/2}{256}$

است.

$\frac{V_{ref}}{2}$: پایه ۹ تراشه یک ولتاژ ورودی است که به عنوان مرجع بکار می رود.

اگر این پایه باز باشد، ورودی آنالوگ برای ADC804 در محدوده ۰ تا 5 ولت است مثل

پایه V_a) با این وجود کاربردهای بسیار دیگری که به v_{in} وصل می شوند به جز ϕ تا 5

ولت است.

$V_{ref}/2$ هنگامی به کار می رود که ولتاژ ورودی در محدوده $0-5v$ نباشد مثلاً اگر

محدوده ورودی آنالوگ 0 تا 4 ولت باشد. $V_{ref}/2$ به 2 ولت وصل می شود. جدول (1-)

4) محدوده V_{in} را برای انواع ورودیهای $\frac{V_{ref}}{2}$ نشان می دهد.

۲-۳-۳- روش اتصال ADC 804

در مباحث بالا به بررسی پایه‌های ADC 804 پرداخته شد و چگونگی فعال شدن هر پایه توضیح داده شد. در این قسمت چگونگی اتصال هر یک از پایه‌ها به اجزای دیگر مدار نشان داده می‌شود.

پایه Cs (پایه ۱): برای فعال کردن A/D صفر می‌شود.

پایه Rd (پایه ۲): برای خواندن مقداری که در ثبات داخلی A/D نگهداری می‌شود باید به این پایه یک پالس بالا-پایین اعمال شود. این پایه به پایه صفر از پورت سوم (P3.0)

تراشه 8051 متصل شده است، که به صورت نرم‌افزارش پاس از این پایه دریافت می‌کند. فعال می‌شود.

پایه WR (پایه ۳): برای آغاز روند تبدیل ورودی آنالوگ به عدد دیجیتال به این پایه باید یک پالس بالا-پایین اعمال شود. این پایه به پایه یک از پورت سوم (P3.1) از تراشه 8051 متصل شده است که بصورت نرم‌افزاری پالس از این پایه دریافت می‌کند.

R Clking (پایه ۴ و ۱۹): برای زمانبندی A./D همانطوری که در شکل مشاهده می‌شود از clk میکرو استفاده شده است به این ترتیب که پایه 30 ALE/P به CLKIN در پایه 4.c ADC 84 متصل است.

INTR (وقفه) (پایه ۵): این پایه نشان دهنده اتمام تبدیل ADC است. زمانیکه کار ADC است. زمانیکه کار ADC تمام شود این پایه یک لبه بالا به پایین ایجاد می‌کند. این پایه

به پایه p3.2 (Int ϕ) از تراشه 8051 متصل شده است و وقتی پایه INTR یک پالس

ایجاد می کند، پایه p3.2 (INT ϕ) از تراشه 8051 متصل شده است و وقتی پایه INTR

یک پالس ایجاد می کند، پایه INT ϕ پالس را دریافت کرده و فعال می شود، در واقع رخ

دادن INT ϕ نشان دهنده پایان کار ADC است.

Vin(+), Vin(-): پایه های 6 و 7؛ این پایه ها ورودی های آنالوگ هستند که پایه vin(-)

به زمین و پایه Vin(+) به ورودی آنالوگ (سنسور) وصل شده است.

$\frac{V_{ref}}{2}$ (پایه q): این پایه به عنوان مرجع به کار می رود، می توان این پایه را به یک

پتانسیومتر Lok وصل کرد که با تغییر آن مقدار $\frac{V_{ref}}{2}$ تنظیم شود و از یک دیود زنر

LM336 به صورت موازی با پتانسیومتر برای تثبیت ولتاژ دو سر پتانسیومتر استفاده کرد.

این دیود نیز که بصورت موازی با پتانسیومتر بسته می شود از هر گونه تغییری در منبع تغذیه

جلوگیری می کند. از آنجائیکه محدوده ورودی آنالوگ مورد نظر برای این مدار متغیر

است از مدار شکل زیر برای تولید $\frac{V_{ref}}{2}$ استفاده می شود.

با تغییر مقاومت متغیر Rs می توان ولتاژ خروجی را در مقدار مطلوب تنظیم نمود.

D ϕ - D7 (پایه های ۱۱ تا ۱۸): این هشت پایه به هشت پایه پورت ۱ (p1.0, P1.7)

از تراشه 8051 متصل هستند و مقادیر تبدیل شده دیجیتال را روی این پورت می ریزند.

AGND و DGND (پایه ۸ و ۱۰): هر دو پایه‌های ورودی هستند که زمین را برای سیگنال آنالوگ و سیگنال دیجیتال فراهم می‌نمایند. زمین آنالوگ به زمین Vin وصل می‌شود در حالیکه زمین دیجیتال به زمین پایه Vce متصل است. دلیل وجود و پایه زمین ایزوله کردن سیگنال Vin از ولتاژهای گذری حاصل از تغییرات خروجی $D\phi - D7$ می‌باشد. چنین جداسازی در دقت خروجی داده دیجیتال موثر است. در سخت‌افزار مورد بررسی هر دو پایه به یک زمین متصل می‌باشند.

۲-۴- صفحه کلید (Key board) :

در این بخش صفحه کلید استفاده شده در سخت‌افزار بررسی شده است. ابتدا به معرفی صفحه کلید و پایه‌های آن پرداخته شده و سپس چگونگی اتصال آن به 8051 نشان داده شده و در نهایت اصول کار آن توضیح داده شده است.

۲-۴-۶- اتصال صفحه کلید.

صفحه کلید، از پرمصرف‌ترین وسایل ورودی برای تراشه 8051 هستند. در پایین‌ترین سطح، صفحه کلیدها در ماتریس‌هایی از ستون‌ها و سطرها سازماندهی می‌شوند. میکروکنترلر، سطرها و ستون‌ها را از طریق پورت‌های خود دریافت می‌کند. صفحه کلیدی که در سخت‌افزار مورد نظر بکار رفته است یک صفحه کلید با 16 کلید است که چهار سطر و چهار ستون دارد. این صفحه کلید دارای 8 پایه است که چهار پایه به چهار سطر و چهار پایه به چهار ستون اتصال دارند هنگامیکه کلیدی فشرده شود یک سطر به

یک ستون می چسبد. در غیر این صورت اتصالاتی بین سطرها و ستونها موجود نیست. این

پایه ها به پورت صفر تراشه 8051 متصل شده اند به این ترتیب که سطرها به پایه های p.0.0

تا P0.3 و ستون ها از پایه های P0.4 تا P0.7 از تراشه 8051 متصل شده اند.

۲-۵- صفحه نمایش

در این بخش به معرفی اجزای مربوط به نمایش اطلاعات روی 7-seg پرداخته و چگونگی

اتصالات این اجزاء با یکدیگر و با تراشه 8051 نشان داده می شود. برای نمایش اطلاعات

از 7-seg دوتایی آند مشترک استفاده شده است. این نوع 7-seg، 8 پایه برای داده مورد

نمایش در LED ها و دو پایه کاتد برای فعال کردن هر یک از

7-seg ها دارد. یعنی با فعال بودن هر یک از پایه های فعال کننده تنها یک 7-seg روشن

می شود که اطلاعاتی که از طریق پایه های خروجی تراشه های MC74HC 4066 بر روی

8 پایه LED ها قرار داده می شوند را نمایش می دهد.

۲-۵-۱- نحوه اتصال صفحه نمایش

ترتیب اتصال پایه های 8051 به پایه های 7-seg به این صورت است که از پرت 2 تراشه

8051 (P2.1 p2.0) به پایه های دو تراشه MC74HC4066 به ترتیب (p2.0 13)،

(p2.1 به 5) (p2.2 به 6) و (p2.3 به 12) برای اولین تراشه و (p2.4 به 13)، (p2.5 به

5)، (p2.6 به 6) و (P2.7 به 13) برای دومین تراشه متصل می شوند. خروجی (2)، 13، 9،

(10)، هر دو تراشه me74HC4066 به پایه های 7-seg ها منتقل می شوند. از پایه های 14

و 15 تراشه 8051 نیز به دو پایه فعال کننده هر یک از 7-sey ها متصل می شود. پایه

14(T ϕ) به K-R و پایه (T1)is به K.L متصل می شود

۴-۶- تقویت کننده

در این بخش تقویت کننده استفاده شده در سخت افزار بررسی شده است. ابتدا به معرفی

تقویت کننده و پایه های آن پرداخته شده و سپس چگونگی اتصال آن به 8051 نشان داده

شده و در نهایت اصول کار آن توضیح داده شده است.

۴-۶-۱- معرفی تقویت کننده Lm324 N

در پیاده سازی سیستم برد کنترل دیجیتال اولین جزء ورودی را یک تقویت کننده عملیاتی

تشکیل داده است، که سیگنال آنالوگ تولید شده از سنسور strein geoge را دریافت و

پس از تقویت به تراشه ADC منتقل می کند.

در این مدار از یک تقویت کننده عملیاتی استفاده شده است. ابتدا به توصیف کلی یک

تقویت کننده عملیاتی می پردازیم. تقویت کننده عملیاتی (آپ - امپ) یک تقویت کننده

dc با بهره بالا است که در پایانه ورودی و یک پایانه خروجی دارد. یک پایانه ورودی،

وردی وارد ساز نام دارد، زیرا سیگنال ثبت اعمال شده بر این پایانه یک خروجی منفی

ایجاد می کند. پایانه ورودی دیگر ورودی ناوارونساز نام دارد، اگر به این پایانه سیگنال

مثبتی اعمال شود یک خروجی مثبت ایجاد خواهد شد. امپدانس ورودی آپ امپ بسیار

بزرگ و امیدانس خروجی آن بسیار کوچک است. از آپ امپ به عنوان تقویت کننده خطی بسیار استفاده می شود. در چنین کاربردی فیدبک منفی توسط مقاومت ایجاد می شود. فیدبک منفی بهره ولتاژ را کم می کند، به کمک فیدبک منفی می توان بهره تقویت کننده (بهره حلقه بسته) را به هر مقدار دلخواهی رساند هیچگاه آپ امپ از مستقیماً بدون فیدبک منفی) به عنوان تقویت کننده به کار نمی برند، زیرا بهره آنقدر بالاست که خروجی اشباع می شود و به ولتاژی نزدیک ولتاژهای منابع تغذیه می رسد. دلیل انتخاب تقویت کننده تفاضلی این است که تقویت کننده های تفاضل اغلب برای تقویت کردن خروجی یک مبدل پل به کار می روند. به طور عادی چهار شاخه پل دارای مقاومت های یکسان هستند. در یکی از شاخه های پل تصادفات مقاومت قرار داده شده می تواند به مقدار ΔF تغییر یابند که این تغییرات می تواند بر اثر درجه حرارت و با سایر پارامترهای فیزیکی صورت گیرد. منظور از بکار بردن این سیستم اندازه گیری نسبی تغییرات مقاومت δ در

$$\text{شاخه ی فعال یعنی } \delta = \frac{\Delta r}{r} \text{ است.}$$

از آنجائیکه در پیاده سازی برد دیجیتال به جای سنسور از پل رتستون برای تولید سیگنال آنالوگ استفاده شده است، از این نوع تقویت کننده استفاده شده است.

برای این منظور از تراشه LM 324n استفاده شده است که پایه 1 خروجی آپ امپ و

پایه های 4 و 11 به ترتیب VCE و GND بوده، پایه 2 و 3 پایانه های وارون ساز و ناوارون ساز

که به ترتیب با علامت - و + مشخص می شوند.

۴-۶-۲، نحوه اتصال تقویت کننده

تراشه Lm 324N دارای 14 پایه می باشد که پایه 1 آن به عنوان خروجی بوده و به پایه

Vin(+) در تراشه ADC804 متصل می شود. پل و تستون نیز که برای تولید سیگنال

آنالوگ طراحی شده است به 324N متصل می شود به این ترتیب که دو سر آزاد پل به

پایه های 2 و 3 تراشه LM324 متصل می شوند و از مقاومت $R_1 = 390k$ برای ایجاد

فیدبک منفی که بین پایه 2 و 1 تراشه قرار می گیرد استفاده می شود.

۴-۷- برد شبیه ساز سنسور strain- Goge

برای ایجاد امکان ارائه آزمایشگاهی طرح لازم است سنسور S-G توسط مداری

شبیه سازی شود چرا که سنسورهای وصل شده به المانهای مکانیکی برای وزنه های بالا

طراحی می شوند و امکان ایجاد تنش لازم و سیگنالهای الکتریکی مناسب در آنها در

محیطهای آزمایشگاهی وجود ندارد برای شبیه سازی سنسور از چهار مقاومت متغیر که از

نوع چند دودی (مولتی مترن multi torn) می باشند استفاده می کنیم این مقاومتها در

صورتیکه به صورت پلی دستتون به هم متصل شوند و به خوبی تنظیم شوند می توانند

جایگزین سنسور S-G شوند.

۴-۸- برد خروجی به تابلوی کنترل آسانسور

فرمانهای Overload و Full load که توسط پایه‌های کلید و کنترلر ایجاد می‌شوند لازم است برای تحریک تابلو کنترل آسانسور به یک برد واسط اعمال شوند. در این برد از دو رله سه ولتی برای تولید فرمان استفاده می‌شود. علاوه بر این رله‌ها یک 7sey دو رقمی دو چراغ زرد و قرمز و یک بازر Buzzer نیز روی این برد تعبیه شده است که در واقع نشان دهنده وضعیت فعلی و بار موجود می‌باشند.

مدار تحریک این رله‌ها به صورت زیر می‌باشد.

در این مدار از یک سوئیچ ترانزیستوری برای تقویت فرمان میکرو و اعمال آن به رله خروجی استفاده می‌شود.

فصل ۳:

نرم افزار تهیه شده برای برد دیجیتال کنترل بار

مقدمه:

در فصل های قبلی به معرفی و چگونگی ساخت برد کنترلی پرداخته شده و برای راه اندازی سیستم و اجزای برد کنترلی نیاز به نرم افزار راه انداز اجزاء بر روی میکروکنترلر می باشد. در این فصل ابتدا به توضیح کلی عملکرد برنامه می پردازیم، که برای این کار نیاز به توضیح نحوه عملکرد دستگاه، تنظیم- راه اندازی و عکس العمل برد در برابر وزن های مختلف می باشد.

۲-۱-۲- عملکرد دستگاه

در این سیستم مورد نظر که هدف اصلی آن کنترل بار آسانسور می باشد نیاز به اندازه گیری و تنظیم چندین پارامتر می باشد. تنظیمات مورد نظر توسط کاربر با استفاده از Key board انجام می شود. در ابتدا وزن کابین آسانسور بدون مسافر را به عنوان OffSET در نظر می گیریم سپس برای بدست آوردن وزن واحدی مشخصی را با وزن متوسط وارد کابین کرده و وزن اندازه گیری شده را به عنوان person در نظر می گیریم با در دست

داشتن دو مقدار offset و person می توان وزن واحد مورد نظر را از رابطه زیر بدست آورد:

$$p - UNTT = person - offset$$

حال کاربر می تواند عدد دلخواهی را به عنوان ظرفیت قابل قبول برای استفاده کنندگان آسانسور در نظر بگیرد که آن را به عنوان capacity در نظر می گیریم. با دست بودن این مقادیر در صورت تکمیل بودن ظرفیت فرمان Full load و در صورت داشتن اضافه بار فرمان over load صادر می شود. و چراغهای هشدار دهنده و آلامر مورد نظر به صدا در خواهد آمد. که این امر باعث می شود همواره آسانسور بار قابل تحملی و مجازی را جابجا کند.

در روند برنامه نویسی به دلیل استفاده از تایمرها و وقفه های موجود ابتدا به معرفی و توضیح دلایل استفاده از آنها می پردازیم.

تایمر

8051 دارای دو شمارنده / تایمر است. آنها می توانند به عنوان تایمر (زمان سنج) برای تولید یک تأخیر زمانی یا شمارنده برای شمارش وقایع رخ داده در خارج میکروکنترلر بکار می روند. این دو تایمر، تایمر دو تایمر ۱ نام دارند و ۱۶ بیت عرض دارند. ون 8051 ساختار 8 بیتی دارد، هر تایمر شانزده بیتی با دو ثبات مختلف بایت پایین و بایت بالا دستیابی می شود.

ثبات 16 بیتی تایمر 5 بصورت بایت بالا و پایین دستیابی می شوند. ثبات بایت پایین را Tlo و ثبات بایت بالا را THO می خوانند. این ثبات مانند دیگر ثبات ها قابل خواندن هم هستند.

ثبات تایمر 0

تایمر 1 هم 16 بیتی است و 16 بیت آن هم به صورت دو بایت به دو نیم شده است که هر یک را TL1 و می نامند. این ثبات ها به روشی مشابه با ثبات های تایمر 0 قابل دستیابی اند. هر دو تایمر 0 و 1 از یک ثبات به نام TMOD برای تنظیم انواع مدهای عملیاتی تایمر استفاده می کنند. TnoD یک ثبات 8 بیتی است که در آن 4 بیت پایین تر برای تایمر 0 و 4 بیت بالاتر برای تایمر 1 کنار نهاده شده است. در هر حال، در بیت پایین تر برای تنظیم تایمر دو بیت بالاتر برای مشخص کردن عملیات بکار می روند.

GATE: وقتی 1 شود کنترل تایمر شدن فعال می شود. تایمر / شمارنده فقط هنگامی فعال می شود که پایه INTX بالا و پایه کنترل TRX برابر 1 شود. هر وقت پاک شود، تایمر هنگامی فعال می شود که بیت کنترل TRX برابر 1 گردد.

C/T: هر وقت 0 باشد تایمر انتخاب می گردد، این بیت برای عملیات شمارش باید 1 باشد.

M1: بیت مد 1

Mo: بیت مد 0

مد عملیات:

مد تایمر 13 بیتی

مد تایمر 16 بیت

هر تایمر 8 بیتی با بار شدن خود کار

مد دو نیم کردن تایمر

M1, M0:

M1, M0 برای انتخاب مد تایمر است. همانطور که دیده می شود، سه مد 0، 1، 2

وجود دارد. در 5 یک تایمر 13 بیت، مد 1 تایمر 10 بیت و مد 2 یک تایمر 8 بیت است.

که عمدتاً بر مدهای 1 و 2 تأکید خواهد شد.

C/T: این بیت در ثبات TMOD برای تصمیم گیری انتخاب تایمر به عنوان مولد تأخیر و

یا شمارنده وقایع بکار می رود. اگر $e/t=0$ باشد از آن به عنوان تایمر برای تولید زمان

تأخیر استفاده میشود. منبع ساعت برای تأخیر فرکانس کریستال 8051 است.

GATE: بیت دیگر ثبات TMOD، بیت GATE است. هر دو تایمر 0 و 1 از ثبات

TMOD، دارای بیت گیت هستند. هر تایمری آغاز و توقفی دارد. بعضی آن را نرم

افزایی، برخی سخت افزاری و بعضی دیگر با هر دو کنترل سخت افزاری و نرم افزاری

انجام می دهند. تایمرهای 8051 هر دو نوع را دارا هستند. هر دو توقف تایمر به صورت

نرم افزاری بوسیله بیت های TRO و TR1 از TR انجام می شوند. این کار بوسیله دستورات

SET Te1 و CLR TR1 برای تایمر ۱ SET TR0 و CLR TRO برای تایمر 0 صورت می گیرد. دستور SETB آن را شروع می کند ولی بوسیله دستور CLR متوقف می گردد. این دستورات مادامی در ثبات TMOD ، CATE=0 است این کار را انجام می دهند. راه سخت افزاری شروع و توقف تایمرها، به وسیله یک منبع بیرونی است که با CATE=1 در ثبات TMOD امکان پذیر است. کاربرد پرچم های Tro و TR1 در روشن و خاموش کردن تایمرها را ملاحظه کردیم این بیت ها بخشی از ثباتی 8 بیتی به نام TQM است. چهار بیت بالا برای ذخیره بیت های TF و TR در دو تایمر و 0 و 1 بکار رفته اند. چهار بیت پایین تر برای کنترل بیت های وقفه اختصاص یافته که در مورد آنها صحبت خواهیم کرد. ثبات TCON یک ثبات آدرس پذیر بیتی است.

۲-۳-۲- وقفه

وقفه پدیده ای درونی یا بیرونی است که میکروکنترلر را از نیاز یک وسیله به نوعی سرویس ، مطلع می سازد بازای هر وقفه، باید روال سرویس وقفه (ISR) یا اداره کننده وقفه ای وقفه را اجرا می کند. بازاء هر وقفه باید مکان ثابتی در حافظه تعریف شود تا آدرس ISR را نگهدارد مجموعه حافظه های کنار گذاشته شده برای نگهداری آدرس های IDR ، جدول بردار وقفه نام دارد.

مراحل اجرای یک وقفه: بعد از فعال شدن وقفه، میکروکنترلر وارد مراحل زیر می شود.

۱- اجرای دستور جاری را پایان می دهد و آدرس دستور بعدی (PC) را در پشت ذخیره می کند.

۲- وضعیت جاری همه وقفه های درونی را نیز ذخیره می نماید.

۳- به مکان معینی از حافظه بنام جدول بردار وقفه که آدرس روال سرویس وقفه را نگه می دارد پرش می کند

۴- میکروکنترلر آدرس ISR را از جدول بدار وقفه بدست آورده و به آن پرش می نماید. آنگاه شروع به اجرای زیر روال سرویس وقفه می کند تا به آخرین دستور که RETI است برسد.

۵- پس از اجرای دستور RETI، میکروکنترلر به مکانی که در آن وقفه را دریافت کرده بود باز می گردد ابتدا، آدرس شمارنده برنامه را از پشته با برداشت از دو بایت بالای رشته بازیافت می کند و به P.C می فرستد. سپس شروع به اجرای برنامه از آن آدرس می نماید.

وقفه های موجود در 8051:

- ۱- بازشناسی. وقتی که پایه بازشناسی فعال شود، 8051 به آدرس 0000 پرش می کند.
- ۲- دو وقفه برای تایمرها کنار گذاشته شده است: یکی برای تایمر و دیگری برای تایمر 1
- ۳- دو وقفه برای وقفه های سخت افزار بیرونی کنار گذاشته شده اند.
- ۴- تبادل داده سیال دارای وقفه ای است که متعلق به ارسال و دریافت می باشد.

جدول بردار وقفه برای 8150

فعال سازی و غیر فعال سازی و قضا

پس از بازشناسی همه وقفه‌ها غیر فعال می‌شود، این معنی که اگر هر کدام فعال شوند هیچیک بوسیله میکروکنترلر پاسخ داده نمی‌شوند. برای اینکه میکروکنترلر به آنها پاسخ دهد، باید وقفه‌ها را با نرم افزار فعال کرد. ثباتی بنام فعال ساز وقفه، IE، مسئول این تواناسازی و ناتوان کردن وقفه‌هاست. ثبات IE یک ثبات آدرس پذیر بیتی است توجه شود که بیت D-1 در ثبات IE، EA (تمام فعال ساز) خوانده می‌شود. برای فعال شدن بقیه ثبات، این بیت پایه 1 شود.

مراحل فعال سازی یک وقفه

برای فعال کردن یک وقفه، مراحل زیر اجرا می‌گردد.

۱- بیت D7 از ثبات IE باید به سطح بالا برده شود تا بقیه ثبات فعال گردد.

۲- ارگ $EA=1$ باشد، وقفه‌ها فعال شده و هنگامی که بیت‌های مربوطه به هر وقفه در

IE فعال گردد به آن وقفه پاسخ داده خواهد شد. اگر $ER=0$ باشد، به هیچ وقفه‌ای پاسخ

داده نمی‌شوند.

- زیر پایه‌ها و ISR های مورد استفاده

(۱) برنامه شناسایی کلید فشرده شده `\Scan key`

صفحه کلید انتخاب شده به صورت یک ماتریس $4*6$ متصل به پورت ϕ می‌باشد اگر

کلید فشرده نشود، خواندن پورت، $1/1$ برای همه ستون‌ها نتیجه می‌دهد. زیرا همه آنها به

ولتاژ سطح بالا (Vcc) متصل می‌باشند. اگر همه سطرها به زمین وصل شوند و کلیدی فشرده شود، یکی از ستون‌ها خواهد شد زیرا کلید فشرده شده مسیری را به زمین ایجاد می‌کند. این به عهده میکرو کنترلر است که صفحه کلید را دائماً بری تشخیص و شناسایی کلید فشرده شده پویش کند.

برای تشخیص کلید فشرده شده، میکرو کنترلر همه سطرهای را با تهیه؟؟؟؟ خروجی به زمین وصل می‌کند، و سپس ستون را می‌خواند، اگر داده خوانده شده از ستون -p0.3
p0.0=1111 کلیدی فشرده نشده است و فرآیند تا تشخیص کلید فشرده شده‌ای ادا خواهد داشت. کدهای مربوط به کلیدهای مختلف به صورت زیر می‌باشد:

در این زیر برنامه از فرمول زیر برای تشخیص کد مربوط به کلید فشرده شده استفاده می‌شود،

$$\text{Key number} = \text{Row - number} \times 4 + \text{Cromn- number},$$

(2) Delay M , Dday1:

برای ایجاد تأخیرهای 200Ms و 1s در برنامه مورد استفاده قرار گرفته‌اند. برای ایجاد این تأخیرها از روش حلقه‌های تو در تو استفاده شده است.

(3) ISR-INTO

همانگونه که در بخش سخت‌افزار توضیح داده شد- پایه INT خروجی A/D به ورودی INT میکرو متصل می‌باشد هر گاه A/D مقداری برای ارائه به میکرو آماده کند این پایه

را فعال (ϕ) می کند. در این حالت IDR مربوط به INTO فعال می شد تا مدار مربوطه را که نشان دهنده وزن فعلی تشخیص داده شده توسط سنسور است خوانده ذخیره نماید. این کار توسط ارسال طرفین مناسب روی پایه Read تراشه A/D تراشه A/D و ذخیره مقدار مربوطه در متغیر Sensor انجام می گیرد.

ISR- To (4)

نمونه برداری از سنسور در هر Soms انجام می گیرد برای تنظیم این زمان از تایمر صفر در حالت اینترپت استفاده می کنیم. در ISR این تایمر مقادیر THO و TLO تنظیم شده و

نیز فرامین مناسب روی پایه $\bar{w}R$ تراشه A/D ارسال می شود.

ISRT1 (5):

برای نمایش مقادیر مناسب روی 7-sag دو رقمی لازم است از روش رفرش کردن استفاده کنیم. برای این منظور در هر دو 20 ms یک بار هر یک از ارقام را مجدداً به Display ارسال می کنیم. تنظیم زمانهای 20 ms توسط تایمر 1 که در حالت اینترپت راه اندازی می شود انجام می گیرد.